

## سیاست کیفری عوام گرا در جرایم خشونت آمیز

عباس باغبان زاده

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم آباد، خرم آباد، ایران.

### چکیده

عوام گرایی کیفری پاسخ احساسی به جرائم شدیدی است که به ندرت اتفاق می‌افتند، ولی با این حال توجه رسانه ها را جلب می‌کنند. فعالیت رسانه‌ها در زمینه جرم، افزایش فشار عمومی برای سیاست گذاری‌های مؤثرتر و پاسخ‌های سخت گیرانه تر نسبت به جرم را دنبال دارد. عوام گرایی کیفری تلاش می‌کند از ساده‌ترین راه حل یعنی سزاگرایی - بدون توجه به پیشگیری از جرم و بازپروری مجرمین - در مقابله با جرم استفاده کند. هر چند این امر در برخی موارد با معیارهای انسانی متعارض بوده و هزینه‌های فراوانی به نظام عدالت کیفری وارد می‌کند. پژوهش حاضر نیز با روش توصیفی - تحلیلی از نوع کیفی در صدد آن است به بررسی تأثیرگذاری عوام گرایی کیفری در جرایم خشونت آمیز بر سیاست کیفری اتخاذی و آثار سوء این پدیده بپردازد؛ و در نهایت راهکارهای مقابله با آن ارائه خواهد شد. نتایج حاکی از آن است؛ در فضایی که عوام گرایی کیفری افزایش می‌یابد، نه تنها متهم از حقوق دادرسی باز می‌ماند بلکه مجازاتی در پیش روی خود می‌بیند که منطبق با تفکرات جرم‌شناسی نیست؛ بنابراین جهت مقابله با عوام گرایی کیفری و آثار سوء آن باید از طریق ارتقا سطح آگاهی عمومی، رویکردهای احساسی و هیجانی را به حداقل رساند و به یافته‌های جرم شناسی بری کنترل جرم بها داد. در صورت بروز جرایم خشونت آمیز همانند قتل، کیف قاپی، ضرب و جرح، تجاوز به عنف و ... با احترام کامل به حقوق دادرسی متهم، از بزرگنمایی چنین جرایمی خودداری کرده و به سبق تصمیم مجرمین نیز توجه گردد. همچنین از انگ زنی‌های خاص به مجرمین و استفاده از عباراتی همچون اراذل و اوباش که هیچ جایگاهی در قوانین کیفری ما ندارد پرهیز کنیم.

**واژه‌های کلیدی:** عوام گرایی کیفری، سیاست کیفری، جرایم خشونت آمیز، ترس از جرم، رسانه ها.

## مقدمه

در طول چندین سال گذشته، موضوع جرایم خشونت بار و سیاست کیفری چگونگی مقابله با آن در دستور کار بسیاری از نظام-های عدالت کیفری قرار داشته است. تحولات رخ داده در این حوزه بیشتر در راستای تمرکز بر کیفرهای شدیدتر بوده است. از طرفی نیز جریان رو به رشد بازنمایی رسانه‌ای جرائم خشونت آمیز در رسانه‌های گروهی ایران و پردازش ژورنالیستی این اخبار، بدون در نظر گرفتن عوامل زیربنایی وقوع آن‌ها موجب شده که ترس و ناامنی در زمینه این گونه جرایم افزایش یابد و در نتیجه مقامات عدالت کیفری برای جلب افکار عمومی به راهکارهای غیر علمی مبتنی بر سزاگرایی روی آورند. به عنوان نمونه رسیدگی سریع و تعیین مجازات‌های شدید در پرونده‌های قتل روح الله داداشی، قتل ستایش و یا زورگیری و کیف قاپی‌های خیابانی، در راستای جلب افکار عمومی صورت گرفته است. تأثیر گذاری عوام گرایی کیفری بر سیاست‌های کیفری جرائم خشونت آمیز موجب شده که شناخت جنبه‌های مختلف این رویکرد و چاره اندیشی جهت دستیابی به ساز و کارهای کنترل آن به یکی از دغدغه‌های اصلی جرم‌شناسان تبدیل شود.

سیاست‌های کیفری عوام گرا معمولاً سخت گیرانه، عامه پسند، نمایشی و احساسی بوده و فاقد مبانی نظری و علمی است. در بسیاری از موارد علی‌الخصوص جرایم خشونت آمیز، واکنش‌های کیفری عوام گرا در فضای احساسی و هیجانی، به ویژه پس از حوادث مهم جنایی، مطرح می‌شوند و در تلاش‌اند تا با توسل به تدابیر کیفری شدید، پدیده‌های مجرمانه را در کوتاه‌ترین زمان ممکن کنترل کنند. این رویکرد نیازی به شناخت علمی پدیده‌های مجرمانه در خود احساس نمی‌کند و با استناد به تفسیرهای غیرعلمی از خواست و انتظار عمومی، در صدد سرپوش گذاشتن بر ضعف مبنای نظری سیاست‌های کیفری است. همچنین این نگرش در پاسخ به عوامل ناکامی سیاست‌های کیفری سخت گیرانه در کنترل جرم، روش فراقلمی را در پیش گرفته، ریشه‌تداوم ناامنی را مقاومت در برابر اجرای این سیاست‌ها و نیز وجود گروه‌های غیرخودی و ناهمگن با اکثریت جامعه تلقی می‌کند.

حال سؤالی که به ذهن خطور می‌کند این است که دامنه زدن به عوام گرایی کیفری از طریق رسانه‌ها در جرایم خشونت آمیز چه تأثیری در نحوه اجرای قوانین و سیاست‌های کیفری اتخاذی خواهد داشت؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند مسیری را ترسیم نماید که حرکت در آن مسیر، در نهایت ما را به جایگاهی می‌رساند که با شناخت صحیح نسبت به بسترهای ظهور رویکرد عوام گرایی کیفری در جرایم خشونت آمیز، قادر به ارائه تدابیر لازم برای جلوگیری از سیطره رویکردهای عوام گرایانه در جرایم خشونت آمیز باشیم.

## ۱. مفهوم شناسی

## ۱-۱. سیاست کیفری

سیاست کیفری نیز عبارت است از مجموعه قوانین و تدابیر کیفری مدوئی که قانون گذار آن‌ها را برای پیشگیری از وقوع جرم و تأمین امنیت و آسایش عمومی مردم، اجرای عدالت کیفری و اصلاح و تربیت مجرمین پیش بینی کرده و به مورد اجرا گذارده می‌شود.

فن لیست یکی از متخصصان حقوق جزا و استاد دانشگاه ماربورگ آلمان در مورد سیاست کیفری معتقد بود که: «سیاست کیفری مجموع مقررات و معیارهایی است که سعی مینماید با توجه بشرايط تاریخی و فرهنگی و اجتماعی هر جامعه بهترین فرضیه‌ها و تئوری‌های حقوق کیفری را ارائه دهد». (عظیم زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰: ۱۱۵)

## ۲-۱. عوام گرایی کیفری

انتظارات عمومی در ماهیت و شکل قوانین تأثیر می‌گذارد. قوانین نیز به نوبه ی خود می‌توانند این انتظارات را در مسیری معین به حرکت در آورند. انتظارات مردم معمولاً ناشناخته مبهم و غیر مشخص است هر میزان از این انتظارات که به خرد جمعی نزدیک تر شود و در حیات اجتماعی معین باشد عقیده‌ی عمومی را تشکیل می‌دهد انتظارات مردم هم متضمن عقاید عمومی آن‌ها و هم کلیه‌ی احساسات و خواسته‌های آگاهانه و ناخودآگاه آن‌هاست که به صورت فعال در نیامده است. رابطه‌ی عقیده‌ی عمومی و قانون را می‌توان در سه مرحله‌ی مختلف مطالعه کرد. نخست می‌توان بررسی کرد که عقیده‌ی عمومی چگونه در پیدایش قوانین موثر است و همین‌طور تأثیر متقابل قوانین در به وجود آمدن عقیده‌ی عمومی به چه میزان است دوم می‌توان تأثیر عقیده‌ی عمومی را در قضاوت دادگاه‌ها مطالعه کرد. قضاوت نیز مانند سایر اعضای جامعه تحت تأثیر افکار زمان خود قرار می‌گیرند و مسلماً عقیده‌ی آنان نسبت به مسایل مختلف در چگونگی برداشت و تفسیر آن‌ها از قوانین تأثیر مستقیم دارد سوم باید تأثیر عقیده‌ی عمومی را در نحوه‌ی اجرای قوانین و اجرای احکام دادگاه‌ها مطالعه کرد. (صانعی، ۱۳۸۱: ۳۴۳)

دیدگاه عموم یک متغیر کلیدی در شکل دهی پاسخ به جرم و بی‌نظمی است. از این رو به اعتقاد بسیاری از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی دیدگاه عموم نسبت به حقوق و نظم تأثیر به‌سزایی بر سیاست کیفری و خصوصاً میزان مجازات گذاشته است. دیدگاه شهروندان ممکن است با نظر سنجی‌های اینترنتی پیمایش توسط پژوهش‌گران و یا گاهی از طریق فشار مستقیم بر مجازات‌کنندگان آشکار گردد. (استون و پیپر، ۲۰۰۵: ۱۷)

یکی از مهم‌ترین مقولات در حوزه‌ی نظام دادگری کیفری مقوله‌ی سزادهی<sup>۱</sup> عوام‌گرایانه و یا عوام‌گرایی کیفری است. سزاکرایی در فرهنگ آکسفورد<sup>۲</sup> به معنای تحمیل یا قصد تحمیل مجازات آمده است (لاکلین و مانکی، ۲۰۰۶: ۳۲۷) و در بیانی دیگر اعتقادی فلسفی است مبنی بر این که بزه‌کار باید مجازات شود تا انتقام بزه دیده ستانده شود. عوام‌گرایی کیفری یک عبارت چندارزشی است. گونه‌گونی آن از یک طرف در مقابله با سیاست‌های عوام‌گرایانه نسبت به یکدیگر تأثیر پذیر و پاسخ‌گو هستند و از طرف دیگر نسبت به اموری که صرفاً عامیانه و رایج هستند نمود پیدا می‌کند. پاسخ‌گویی به افکار عمومی خصیصه‌ی اصلی دموکراسی انتخابی است از کارکردهای بارز این رژیم سیاسی تضمین این است که سیاست‌مداران خیلی به دور از خواسته‌های رای‌دهندگان شان قرار نمی‌گیرند؛ به عبارت دیگر سیاست‌مداران انتخاب شده همواره تا حدی تحت کنترل و سرپرستی هستند آن‌ها نباید در مقام اعمال اختیارات خویش آزادی بی‌حد و حصری داشته باشند. پاسخ‌گویی و عامه‌پسندی و ولع محبوبیت عناصر ضروری عوام‌گرایی اند اما عناصر کلیدی نیستند. از دیدگاه ما سیاست‌های عوام‌گرایانه‌ی کیفری سیاست‌هایی است که بیش‌تر برای اخذ رای به اجرا گذارده می‌شود تا کسب نتیجه‌ای اثر بخش به طور خلاصه، عوام‌گرایی کیفری به معنای تعقیب یک سری سیاست‌های کیفری برای جلب آرای مردمی است و اهتمام اصلی آن کاهش نرخ جرم و یا گسترش دادگری نیست. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۳۴)

## ۳-۱. جرایم خشونت آمیز

خشونت به معنای بروز ناگهانی و انفجار گونه نیرویی تهدیدکننده و مخرب است که گاهی به بروز قتل منجر می‌شود. از دیدگاه اجتماعی، خشونت استفاده از زور یا قدرت، به شیوه‌ای مخرب، که منافع دیگری را زیر پای نهد. (پایا، ۱۳۷۹: ۳۶۹) خشونت در ادبیات علوم اجتماعی و حقوقی معانی متفاوتی دارد؛ چنانچه فکوهی خشونت را اعمال یک نیروی فیزیکی بر یک شیء یا فرد یا گروه اجتماعی تعریف می‌کند. (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۷۶) محسنی تبریزی نیز در کتاب وندالیسم، خشونت را اینگونه

<sup>۱</sup>. retribution.

<sup>۲</sup>. concise oxford dictionary.

تعریف می‌کند: «خشونت و پرخاشگری را از نظر مفهومی می‌توان کنش و عملی در نظر گرفت که از جانب فرد یا افرادی و از روی اراده و آگاهی به منظور آسیب‌رسانی فیزیکی یا روحی و روانی به دیگران انجام می‌پذیرد».

«به طور کلی خشونت عمل فرد معینی است که به جان یا مال یا شرف دیگران تعرض و حمله می‌نماید». (پرفیت، ۱۳۷۸: ۲۸-۲۷)

در هر حال خشونت به رفتاری اطلاق می‌شود که در برگیرنده سه مفهوم کلیدی زیر است:

- ناهنجار بودن؛
- ارادی بودن؛
- آسیب رساندن.

جرایم خشونت‌آمیز طیف وسیعی از رفتار (از کاربرد الفاظ آزار دهنده تا جنگ) را شامل می‌شود که وجه مشترک آن آسیب رساندن ارادی است. خشونت در عین نامطلوب بودن می‌تواند هنجار، مانند دفاع مشروع و یا ناهنجار مانند قتل عمد باشد. (میرجعفری و بیابانی، ۱۳۸۷: ۴۳)

## ۲. شکل‌گیری عوام‌گرایی کیفری در جرایم خشونت‌آمیز

بی‌اطلاعی مردم از واقعیت‌های جرائم خشونت‌آمیز، از جمله تصور اشتباه آن‌ها نسبت به میزان ارتکاب جرائم از دلایل گرایش به سزاگرایی است. (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۰: ۱۱۷) تصور عمومی این است که جرائم خشونت‌آمیز در سطح گسترده توسط گروه‌هایی سازمان‌یافته با برچسب «اراذل و اوباش» ارتکاب می‌یابند. حال آن‌که میزان واقعی ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز کم‌تر از آن است که به نمایش گذاشته می‌شود و بسیاری از جرایم خشونت‌آمیز بدون سبق تصمیم اتفاق می‌افتد.

### ۲-۱. رسانه‌ای شدن جرم

وظیفه رسانه‌ها آن است که در خصوص جرایم، مردم را مطلع کنند اما این امر می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی داشته باشد. این رسانه‌ها در گزارش‌های خود درباره‌ی جرایم خشونت‌آمیز می‌توانند این پنداشت را به وجود آورند که جرایم به شدت در حال رشد هستند. (علیخواه و نجیبی ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۸) در سال‌های اخیر رسانه‌ها در کنار نقش اطلاع‌رسانی و آموزش، رسالت دیگری را بر عهده گرفته‌اند که همانا نقش جستجوگری و تفتیش است. بر این اساس، رسانه‌ها با افشاگری‌های خود، سکوت مراجع دولتی و رسمی را می‌شکنند و آن را جبران می‌کنند و از طریق مطلع ساختن افکار عمومی، به دولت‌ها فشار می‌آورند تا در موارد نقض شدید هنجارها و ارتکاب جرم‌های شدید و خشونت‌آمیز، واکنش‌های متناسب از خود نشان دهند و از روش‌های ملاحظت‌آمیز و چشم‌پوشانه خودداری کنند.

یکی از عرصه‌هایی که رسانه‌ها با علاقه‌مندی بسیاری اخبار مربوط به آن را دنبال و وقوع آن را با سلیقه خود گزارش می‌دهند، بزهکاری و به ویژه جرایم خشونت‌آمیز بوده است. اقدامات تروریستی، گروگان‌گیری، قتل‌های فجیع و مواردی از این دست، با نحوه انعکاس آنها در رسانه‌ها می‌تواند شهروندان را از آینده خود بیمناک ساخته و به آن‌ها بقبولاند که زندگی آنان در شرایط ناامنی است و از این رو، همواره به تبع احساس ناامنی و درگیری افکار عمومی عکس‌العمل شدید آن‌ها را در پی خواهد شد. این شیوه‌ی لقاء در نبود رسانه‌های مستقل و غیروابسته به دولت، ممکن است موازنه را به سود شرایطی خاص، تغییر داده و رسانه‌های وابسته با توجه به سیاست‌های دیکته شده از طرف دولت، اقدام به اطلاع‌رسانی نمایند. این شیوه اطلاع‌رسانی با ترویج ترس و ناامنی، گاه موجبات ترس شهروندان و باور به زندگی در شرایط ناامن شده را تشدید می‌کند و در چنین شرایطی پذیرش تدابیر امنیت‌گرایانه دولت برای شهروندان آسانتر خواهد بود. به بیان دیگر، سیاست‌مداران و رسانه‌های جمعی غالباً تصاویر و برداشت‌های غلط یا جهت‌داری را از پدیده‌ی مجرمانه به مردم ارائه می‌دهند و آنان را در جو تصنعی از

وحشت و نا امنی قرار می‌دهند که به دشواری می‌توان از آن خارج شد. این گونه تأثیر منفی، مسلماً راه را برای بازگشت به کیفر و پذیرش پاسخ‌های صرفاً سرکوبگر و تعدیل یا حذف حقوق و آزادی‌های فردی و گروهی و از همه مهم‌تر، حقوق دفاعی، هموار می‌سازد؛ زیرا جامعه بیش از پیش، خواهان حفظ نظم از طریق زندانهای طولانی مدت بدون امکان آزادی پیش از موعد، مجازات اعدام، کنترل و طرد برخی از گروه‌های بزهکار خطرناک و به طور کلی پاسخ‌های سریع، قاطع، شدید و نفی هرگونه اغماض در قبال بزهکاری است. با تغییر لحن رسانه‌های گروهی از توصیف جرایم، احساسات عمومی تهییج می‌شود و مردم، خواستار اقدامات عاجل از سوی دولت خواهند بود. (مهدوی پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۲: ۲۲)

بررسی ۸۰۰ روزنامه انتخاب شده به صورت تصادفی، نشان داده است بیش از نصف مطالب در ارتباط با جرایم خشونت آمیز بوده و در نیمی از این جرایم خشونت آمیز، قتل رخ داده بود. این مسأله با واقعیات خارجی انطباق ندارد. جرایم خشونت آمیز تنها ۱۱ درصد کل جرایم گزارش شده را در بر گرفته بودند و قتل نیز کمتر از یک درصد کل جرایم گزارش شده است؛ بنابراین تمرکز اصلی رسانه‌ها بر جرایم خشونت آمیز آن هم با تکیه بر قتل و جرایم جنسی است. (پاکنهاد، ۱۳۸۸: ۷۳) اکثر حجم مطالب نشریات به ویژه نشریات زرد به ذکر حوادث و رخداد‌های منفی نظیر قتل، تجاوز، آدم‌ربائی و به طور کلی بزه اختصاص می‌یابد. اینگونه نشریات با تأکید بر هیجانات آنی و برانگیختن دو احساس شگفتی و کشتش در مخاطب، در بین مردم کوچه و بازار مخاطبان زیادی را برای خود دست و پا می‌کنند. (الیاسی، ۱۳۸۵: ۵۶) متعاقب این موضوع و توصیف‌های جنجالی رسانه‌ها که از جرایم مطرح میکنند، می‌تواند افکار عمومی را به حمایت از سیاست‌های امنیت گرایانه متمایل و به دنبال آن دستگاه عدالت کیفری را به اتخاذ این سیاست‌ها ترغیب نماید.

## ۲-۲. قانونگذاری جرایم خشونت آمیز مبتنی بر هیجانات عوام

یکی از جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری، قانونگذاری بر اساس وقایع مجرمانه و چگونگی بازنمایی آن در رسانه‌ها است. سیاستگذاران به منظور جلب افکار عمومی، به ویژه پس از وقوع جرائم خشون آمیز، در صدد اتخاذ واکنش‌های فوری بر می‌آیند. در این شرایط به دلیل جریحه دار شدن احساسات عمومی، فرصت انجام کار کارشناسی و تحلیل‌های علمی فراهم نمی‌شود و سیاست‌های مبتنی بر راهکارهای زیربنایی در معرض اتهام حمایت از بزهکاران قرار می‌گیرد. (مهدوی پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۲: ۱۶)

طرفداران عوام‌گرایی کیفری مدعی‌اند سیاست‌هایی را تدوین می‌کنند که حقوق اکثر شهروندان را برای دسترسی به امنیت تأمین می‌کنند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف واهمه‌ای از نادیده گرفتن حقوق متهمان و مجرمان ندارند؛ چرا که آن چه اهمیت دارد جلب رضایت شهروندان است. لذا در دهه‌های اخیر تحت تأثیر این رویکرد، قوانین تصویب شده‌اند که در تعارض با اصول بنیادین حقوق کیفری، مانند اصل تناسب جرم و مجازات، اصل پرهیز از برچسب زنی و اصل احترام به حریم خصوصی هستند و یا حقوق دفاعی متهمان، مانند حق سکوت، ممنوعیت بازداشت پیش از محاکمه و قاعده معتبر ناشناختن ادله (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۷: ۱۴۴-۱۱۳) را محدود کرده‌اند. عوام‌گرایی کیفری با تأکید بر اینکه بی‌اعتمادی نسبت به اجرای واقعی مجازات یکی از دلایل نارضایتی مردم است، از اجرای علنی مجازات حمایت می‌کنند. در حالی که از دیدگاه جرم‌شناسان توسل به این گونه تدابیر انگ زنده در کاهش ارتکاب جرم مؤثر نیست و موجب «شرم‌سازی بد نام کننده»<sup>۱</sup> می‌شود. این راهکار باعث می‌شود مجرم از اجتماع منفک شده، بدنامی‌اش تشدید شود و از اجتماع فاصله بگیرد. همین ایراد به قوانین آگاه سازی اجتماع نیز وارد است. این قوانین برای مدت‌های طولانی و حتی پس از تحمل محکومیت، اطلاعات مجرم را در اختیار مردم قرار می‌دهند و علاوه بر ایجاد مشکلاتی برای خانواده، آشنایان و اشتغال مجرم، بازپذیری اجتماعی وی را مختل ساخته، موجب تأخیر بازپروری خواهند شد. این ساز و کارها موجب ایجاد اضطراب، انزوا و تکرار جرم خواهند شد.

<sup>۱</sup>. stigmatizing shaming

## نتیجه گیری

عوام گرایی کیفری به عنوان یک رویکرد نوظهور در حوزه سیاست‌های کیفری، تأثیرات فراوانی بر نظام کنترل جرم داشته است. در واقع استفاده از خواست و مطالبات عمومی در زمینه تأمین امنیت نقش بسزایی در تداوم حیات و گسترش نقش عوام گرایی کیفری در جرایم خشونت آمیز داشته است.

در این میان، نقش بازنمایی رسانه‌ای حوادث جنایی و تأثیرات آن بر عواطف و احساسات عمومی را نباید از نظر دور داشت. رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی نسبت به گذشته حجم و زمان بیشتری را به پوشش خبری جرایم خشونت آمیز اختصاص می‌دهند و از آزادی عمل بیشتری برای بازنمایی و پردازش اخبار و رویدادهای جنایی برخوردارند بدون اینکه تحول چندانی را در افزایش مهارت‌های تحلیلی و رعایت نکات جرم‌شناسانه تجربه کرده باشند. در واقع افکار عمومی به عنوان مؤلفه-ای اساسی در تنظیم سیاست‌های عدالت کیفری در نظر گرفته می‌شود و از آنجایی که قابلیت بسیار زیادی برای تغییرات سریع و ارزیابی مبالغه آمیز دارد، مورد بهره برداری رسانه ای و سیاسی قرار می‌گیرد. افکار عمومی تحت تأثیر آگاهی‌های نادرست و درک تحریف شده‌ای از واقعیت جرم، می‌تواند مانعی برای پذیرش مجازات‌های انسان‌مدارانه و رویکرد اصلاحی به مجرم شود. بدین ترتیب که استناد مکرر به مطالبه عمومی و تأکید بر این امر که سیاست‌های وضع شده در راستای تأمین خواست مردم است، یکی از رایجترین راهکارهای مورد استفاده سیاستگذاران است. مستند کردن سیاست‌های کیفری به عنوان خواسته و مطالبه عمومی با کمک رسانه‌ها، راهکار مناسبی برای مشروعیت بخشی به برنامه‌های کیفری امنیت‌گرا است. از طریق به کارگیری این روش می‌توان این تصور را در میان مردم ایجاد کرد که نقض این سیاست‌ها به معنای نادیده گرفتن خواسته‌های عمومی بوده و بنابراین باید با آن به شدت برخورد کرد. این راهکار تدبیر مناسبی برای عملیاتی ساختن ساز و کارهای امنیت گرایانه و سختگیرانه مورد نظر سیاستمداران است؛ بنابراین سیاست‌های مقطعی مبتنی بر امنیت ظاهری و نمایش اقتدار تصنعی نهادهای رسمی، بر تدابیر دراز مدت پیشگیرانه مبتنی بر مشارکت جامعه محلی پیشی می‌گیرد.

## پیشنهادات

- مشارکت بیشتر جرم شناسان در ارائه راهکارهای مؤثر برای کنترل جرم.
- ارتقای سطح آگاهی عمومی در زمینه بسترهای وقوع جرم و ناکارآمدی سیاست‌های کیفری سخت گیرانه در کاهش پدیده-های مجرمانه.
- رعایت ملاحظه‌های جرم‌شناسانه در بازنمایی اخبار و رویدادهای جنایی.

## فهرست منابع

۲. الیاسی، محمد حسین، ۱۳۸۵، سنجش میزان تأثیر نشریات زرد در کاهش احساس امنیت و سلامت روانی زنان تهران، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۱ و ۲.
۳. پاکنهاد، امیر، ۱۳۸۸، سیاست جنایی ریسک مدار، چاپ اول، نشر میزان.
۴. پایا، علی، ۱۳۷۹، نسبی گرایی معرفتی و خشونت ورزی در صحنه عمل اجتماعی، نشر کیان.
۵. پرفیت، آلن، ۱۳۷۸، پاسخ‌هایی به خشونت، ترجمه: مرتضی محسنی، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۶. صانعی، پرویز، ۱۳۸۱، حقوق و اجتماع: رابطه‌ی حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، طرح نو، چاپ نخست.
۷. عظیم زاده اردبیلی، فائزه، حسابی، سارا، ۱۳۹۰، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱۵.
۸. علیخواه، فردین، نجیبی ربیعی، مریم، ۱۳۸۵، زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
۹. فرجیها، محمد، مقدسی، محمدباقر، ۱۳۸۷، قاعده معتبر ناشناختن ادله در نظام حقوقی کامن لا و ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۵۸.
۱۰. فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، انسان شناسی شهری، انتشارات نشر نی.
۱۱. مقدسی، محمدباقر، فرجیها، محمد، ۱۳۹۰، رویکرد عوام گرایی کیفی به جرائم جنسی، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۲.
۱۲. میرجعفری، سید اصغر، بیابانی، غلامحسین، ۱۳۸۷، درآمدی بر خشونت و جرائم خشونت بار، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، شماره ۲.
۱۳. مهدوی پور، اعظم، شهرانی کرانی، نجمه، ۱۳۹۲، تأثیر رسانه های جمعی در افزایش احساس نا امنی و ایجاد رویکردهای امنیتی، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال هشتم، شماره ۲۳.
۱۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۹۰، سیاست جنایی عمل گرا و عوام گرا تقریرات درس، دانشکده ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

15. Easton, Susan; Piper, Christine 2005, sentencing and punishment: the quest for justice, oxford university press, u.s.a.

16. Mc Laughlin, Eugene; Muncie, John 2006. the sage dictionary of criminology, sage, u.k.

# Criminal Pluralism Policies in Violent Crime

Abbas Baghban Zadeh

*Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran.*

---

## Abstract

Civicism is an emotional response to rigorous crimes that rarely occur, but it nevertheless attracts the attention of the media. Media activity in crime, increasing public pressure for more effective policies and more stringent responses to crime. Civicism strives to use the simplest solution - retribution - without paying attention to crime prevention and rehabilitation of criminals - in confronting crime. Although this is in some cases contradictory to human standards and costs a lot to the criminal justice system. The present study uses a qualitative descriptive-analytical method to investigate the effect of civicism on adoptive criminal policy and the adverse effects of this phenomenon. And finally, solutions will be put forward.

The results indicate that, in a context where civicism is rising, not only does the accused remain open to the rights of the judge, but also sees himself punishable in a manner that is not consistent with criminal thought. Therefore, in order to cope with civicism and its harmful effects, it should be possible to minimize emotional and emotional attitudes through the promotion of public awareness, and to criminological findings of crime control. In the event of violent crimes such as murder, victimization, assault, rape, and ... with full respect for the rights of the accused, refrain from magnifying such crimes and should be considered in the light of the decision of the offenders. Also, avoid specific criminals and use phrases such as thugs that have no place in our criminal law.

**Keywords:** Criminal Citizenship, Criminal Policies, Violent Crimes, Crime Fears, Media

---